

Predicting Sport Commitment of Young Athletes Based on Parenting Styles of Parents

Seyed Hossein Alavi (Ph. D.)¹
Mosen Loghmani (Ph. D.)²
Seyed Mohammad Bani Hashimi³

Abstract

Present study was designed by aim of predicting sport commitment of young athletes based on parenting styles of parents. 241 of 497 young athletes of Langeroud city who participated three times a week in six sports were randomly selected as statistical samples using Morgan's Table and they responded to questionnaires of sport commitment and parenting styles. The results of enter multiple regression analysis showed that father's parenting styles of authoritative and authoritarian had positive and significant effects on young's commitment, enjoy and participation, but father and mother's parenting style of permissive had negative and significant relationship with young's enjoy and participation. Additionally, mothers like fathers played a positive and significant role on commitment dimensions using authoritative parenting styles more than authoritarian parenting styles. The findings has clearly shown that those parents who used the logical justification for parenting style had the most effects on their children. Hence, we suggest managers teach the parents to spend more time with their children by using words as this would lead the positive effects on sport attitudes of teenagers.

Keywords: *Sport Commitment, Parenting Styles, Authoritative, Authoritarian.*

-
1. Correspondent Author: Department of Physical Education and Sport Sciences, Assistant Professor of Mahmoudabad, Branch, Technical and Vocational University (TVU), Mazandaran, Iran.
 2. Department of Sport Management, Shafagh Institute of Higher Education, Tonekabon, Iran.
 3. Master of Sport Management, Shafagh Institute of Higher Education, Tonekabon, Iran.

ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

دکتر سیدحسین علوی*، دکتر محسن لقمانی**

سیدمحمد بنی‌هاشمی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین طراحی شد. روش پژوهش حاضر پیمایشی و کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش ۴۹۷ نفر از نوجوانان ورزشکار شهرستان لنگرود هستند که در شش رشته ورزشی به صورت هفتگی سه جلسه در تمرین حاضر می‌شدند. نمونه آماری با استفاده از جدول مورگان و به صورت تصادفی ۲۴۱ نفر انتخاب شدند و به دو پرسشنامه تعهد ورزشی و فرزندپروری پاسخ دادند.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش هم‌زمان نشان داد با اینکه شیوه‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه پدر اثر مثبت و معنی‌داری بر تعهد، لذت و مشارکت نوجوانان دارد، اما شیوه فرزندپروری سهل‌انگارانه پدر و مادر، رابطه معکوس و معنی‌داری با ابعاد لذت و مشارکت نوجوانان در فعالیت‌های ورزشی دارد. علاوه بر این، مانند پدران، مادران نیز با استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه، در مقایسه با شیوه فرزندپروری مستبدانه، به نسبت بیشتری اثر مثبت و معنی‌داری بر ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار دارند. این یافته‌ها به روشنی نشان می‌دهد والدینی که از روش منطقی برای سبک فرزندپروری استفاده کرده‌اند اثر بیشتری روی تعهد ورزشی فرزندان داشته‌اند. از این رو پیشنهاد می‌شود به منظور افزایش تعهد ورزشی نوجوانان در محیط‌های ورزشی، به والدین آموزش داده شود تا زمان بیشتری صرف صحبت با فرزندان کنند، زیرا این کار آثار مثبتی در نگرش نوجوانان به ورزش دارد.

کلیدواژه‌ها: تعهد ورزشی، سبک‌های فرزندپروری، مستبدانه، مقتدرانه، سهل‌گیرانه

*. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم ورزشی دانشکده فنی و حرفه‌ای محمودآباد، دانشگاه فنی و حرفه‌ای،

shalavi@tvu.ac.ir

مازندران، ایران

** . استادیار مدیریت ورزشی مؤسسه آموزش عالی شفق تنکابن، ایران

*** . کارشناس ارشد مدیریت ورزشی مؤسسه آموزش عالی شفق تنکابن، ایران

مقدمه

«تعهد» نگرش و حالتی روانی است که به منظور توصیف تمایل افراد به رفتارهای مشخص استفاده می‌شود. در واقع، این مفهوم نشان‌دهنده میزان پشتکار و پایداری افراد برای ادامه مشارکت در یک فعالیت و نوعی احساس وابستگی و تعلق خاطر به رفتاری خاص است (هاچینسون و برگ،^۱ ۲۰۱۵). اسکن لن^۲ و همکاران (۱۹۹۳) تعهد ورزشی را ساختاری روان‌شناختی تعریف کرده‌اند که نشان‌دهنده تمایل و عزم فرد به تداوم مشارکت در فعالیت‌های ورزشی است. آنان برای بررسی تعهد تمرین، متغیرهای خاصی را مد نظر قرار داده‌اند. از دید آنها، پنج عامل کلیدی در ساختار تعهد ورزشی می‌تواند تعهد ورزشی را افزایش یا کاهش دهد: لذت بردن از ورزش،^۳ فرصت‌های مشارکت،^۴ سرمایه‌گذاری‌های شخصی،^۵ محدودیت‌های اجتماعی^۶ و جایگزین‌های مشارکت.^۷ آنها با بهره‌گیری از نظریه راولند^۸ و فریدسون^۹ مبنی بر لذت‌بخش کردن مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، متغیر لذت ورزشی را در مدل انگیزشی بزرگ‌تری به نام مدل تعهد ورزشی به کار می‌گیرند (به نقل از حسینی نیا و همکاران، ۱۳۹۳). بررسی‌ها نشان داده است که ورزشکاران پیوسته میل به لذت بردن، تفریح کردن و سرگرم شدن را به عنوان محرک‌های مهم برای شرکت در برنامه‌های ورزشی مطرح می‌کنند (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳). در مطالعات مربوط به تعهد ورزشی که تا به حال صورت گرفته، لذت بردن یکی از مهم‌ترین و قوی‌ترین عوامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری افراد برای مشارکت در فعالیت‌های ورزشی بوده است (پارسا مهر، ۱۳۹۱؛ اسکن لن و همکاران ۱۹۹۳). اسکن لن و همکاران منابع کسب لذت را شامل تعامل‌های اجتماعی مثبت، حمایت از سوی معلمان و مربیان، والدین و همسالان، افزایش ادراک فردی از توانایی‌های جسمانی، آگاهی اجتماعی از قابلیت‌های جسمانی، تلاش برای یادگیری و ارائه مهارت‌ها و در نهایت کسب مهارت و احساس تحرک دانسته‌اند. از این رو محققانی مثل مک دیوید و همکاران^{۱۰}

1. Hutchinson and Berg
2. Scanlan
3. Sport Enjoyment
4. Involvement Opportunities
5. Personal Investment
6. Social Constraints
7. Involvement Opportunities
8. Ravland
9. Fridson
10. Macdonald

(۲۰۱۲) در بخشی از مطالعه خود به بررسی نقش لذت، انگیزش و تمرین‌های مربی در رشد ورزشکار پرداختند و به این نتیجه رسیدند که انگیزش و لذت در رشد فردی شرکت‌کنندگان در ورزش نقشی اساسی دارد.

فرصت‌های مشارکت که در مدل تعهد ورزشی اسکن لن و همکاران (۱۹۹۳) وجود دارد، ادراک فرصت‌هایی است که تنها از طریق مشارکت مداوم امکان‌پذیر است. این متغیر به فرصت‌های با ارزشی گفته می‌شود که فقط از طریق مشارکت در ورزش به دست می‌آید. در نهایت از فرصت‌های مشارکت، به‌عنوان سرمایه‌گذاری بیرونی، انتظار می‌رود موجب برقراری روابط دوستانه، کنش متقابل مثبت با بزرگسالان، کسب تجربه در مهارت، تغییر در ظاهر بدنی و افزایش سلامت افراد شود (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳). فرصت‌های مشارکت نشان‌دهنده جذابیت بیشتر یا کمتر فعالیتی در مقایسه با فعالیتی دیگر است. فرصت‌های مشارکت، فرصت‌هایی گرانبها هستند که تنها با ادامه مشارکت به دست می‌آیند. مفهوم فرصت‌های دیگر، که کلی مطرح کرده و برگرفته از پژوهش‌های روسولت است، شامل سه فرض سرمایه‌گذاری شخصی برای انجام فعالیت یا رفتاری خاص، تأثیر هنجارهای اجتماعی (محدودیت‌های اجتماعی) و فرصت‌هایی است که از مشارکت مداوم در فعالیتی خاص نصیب افراد می‌شود (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳). با این حال پژوهش‌ها نشان داده‌اند وجود فرصت‌های دیگر بین گروه‌های متفاوت نتایج یکسانی برای مشارکت یا عدم مشارکت در فعالیتی خاص به دنبال ندارد؛ چنان‌که در بیشتر موارد، ورزشکاران جوان قادرند حین مشارکت در برنامه‌های ورزشی به فعالیت‌های غیرورزشی ادامه دهند (مک‌دیوید و همکاران، ۲۰۱۴).

می‌توان گفت هدف اصلی اسکن لن و همکاران از کاربرد مدل تعهد ورزشی شناخت قدرت تبیین و میزان تأثیرگذاری متغیرهای آن بر مشارکت پیوسته افراد در فعالیت‌های ورزشی بوده است. از این رو محققان علاقه زیادی به مفهوم تعهد ورزشی پیدا کرده‌اند و به دنبال بررسی عوامل تأثیرگذار دیگر بر تعهد ورزشی و ارتباط با مدل‌های ارائه‌شده آن هستند (اسکانلان و همکاران، ۲۰۱۶). برای مثال نوروزی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که رفتارهای رهبری (۴۴) مربیان بر تعهد ورزشی اثرگذار است. مطالعه یانگ و میدینک^۱ (۲۰۱۱) در بررسی تأثیرات اجتماعی بر

1. Young and Medic

تعهد ورزشی شناگران نشان داد که ماهیت نفوذ اجتماعی در پرورش تعهد ورزشی در ورزشکاران با سابقه پس از کنترل واریانس، نسبت به ادراکات ورزشکاران غیراجتماعی دیگر، عاملی تعیین کننده است. چنین اطلاعاتی برای طراحی مداخلات اجتماعی به منظور حفظ افراد بیشتری در ورزش حرفه‌ای بسیار مهم است با این فرض که وابستگی با رها شدن در جمعیت حرفه‌ای غیرارادی است.

به نظر می‌رسد پژوهش‌هایی که در زمینه تعهد ورزشی صورت گرفته مربوط به ورزشکاران حرفه‌ای است و در زمینه تعهد ورزشی نوجوانانی که هنوز پا به عرصه ورزش حرفه‌ای نگذاشته‌اند، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. اما تعهد ورزشی در این گروه سنی نیز بسیار با اهمیت است؛ زیرا می‌تواند موجب تداوم مشارکت ورزشی نوجوانان شود؛ بنابراین نیاز است همه جنبه‌های تأثیرگذار بر مشارکت مداوم ورزشی در این گروه سنی بررسی شود. از آنجا که نوجوانان بیشتر وقت خود را کنار خانواده می‌گذرانند، خانواده اولین و مؤثرترین واحد اجتماعی مؤثر بر فرزندان، به شمار می‌رود و به‌عنوان قوی‌ترین سیستم، بر پایه‌ریزی رفتار و شکل‌گیری هویت فرزند تأثیری عمیق و بسزا دارد (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۵). مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد ویژگی‌های خانوادگی بر شخصیت کودک بسیار تأثیرگذار و حیاتی است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۴). بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی کودک تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی^۱ و شیوه فرزندپروری^۲ والدین است (نقی پور ۱۳۹۰).

می‌توان شیوه‌های فرزندپروری والدین را راهی مطمئن برای استمرار فعالیت‌های ورزشی و تعهد نوجوانان دانست. سؤال اصلی محقق این است که ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین کدام است؟ هدف این پژوهش این است که ارتباط بین ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین را مشخص کند.

در سال‌های اخیر پژوهش‌های دامنه‌داری درباره عوامل خانوادگی مؤثر در رفتار و طرز فکر کودک انجام شده است. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد انتقال بسیاری از ویژگی‌های مؤثر بر رفتار

1. Personality Characteristics
2. Parenting

نوجوانان به سبک تربیت فرزندان در خانواده بر می‌گردد. هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کند (لوجینووا و اسلوبودوسکاوا،^۱ ۲۰۱۷). البته عوامل مختلفی از قبیل سن، جنسیت، ادراک توانایی و قابلیت بر انگیزه مشارکت ورزشی نوجوانان اثرگذار است. سایر افراد از قبیل والدین، دوستان، معلمان و مربیان نیز نقش بسزایی در مشارکت ورزشی کودکان و نوجوانان دارند؛ اما در این میان والدین از عوامل اصلی اثرگذار اصلی هستند (هاروود و نایت،^۲ ۲۰۱۵).

با توجه به نقش حیاتی والدین در توسعه تجربه‌های ورزشی ورزشکاران نوجوان، اخیراً علاقه به بررسی تأثیر والدین در فعالیت ورزشی نوجوانان در حال افزایش است؛ زیرا فرزندان ارزش فوق‌العاده‌ای برای ارزشیابی والدین نسبت به عملکرد خود قائل‌اند (لوجینووا و اسلوبودوسکاوا، ۲۰۱۷). در واقع انتظارات و بازخوردهایی که ورزشکاران جوان از والدین درباره تلاش و عملکرد ورزشی خود دریافت می‌کنند، برای آنها حائز اهمیت است (عبدی مقدم و همکاران، ۱۳۹۲). احتمال دارد شیوه تربیت فرزندان شیوع کم‌ترکی را تشدید کند؛ زیرا والدین بر رفتارهای کودکان خود بسیار تأثیرگذارند. این آثار احتمالاً در سبک‌های فرزندپروری^۳ والدین آشکار می‌شود (استال و همکاران،^۴ ۲۰۱۶).

ادبیات تحقیق

۱. تعریف مفاهیم

در پژوهش اخیر واژه‌ها و اصطلاحاتی مانند «تعهد ورزشی و ابعاد آن، سبک‌های فرزندپروری، سبک مقتدرانه، سبک مستبدانه، سبک سهل‌گیر و نوجوانان» به کار رفته است که برای درک بهتر به تفصیل بیشتر آنها می‌پردازیم.

1. Loginova and Slobodskaya
2. Harwood and Knight
3. Parenting Styls
4. Staal et al

الف) تعهد ورزشی

- تعریف مفهومی

تعهد ورزشی عبارت است از: ساختار روان‌شناختی که نشان‌دهنده تمایل و عزم فرد به تداوم مشارکت در فعالیت‌های ورزشی است (جانسون، ۱۹۸۲). تعهد یک واژه روان‌شناختی است که عموماً به انگیزه برای ادامه تمرین‌های ورزشی اشاره دارد. تعهد ورزشی می‌تواند به یک برنامه ورزشی، یک رشته ورزشی (مثل فوتبال) یا تعهد به شرکت مستمر در انواع فعالیت‌های ورزشی مربوط باشد (به نقل از حسینی‌نیا، ۱۳۹۳).

- تعریف عملیاتی

وقتی را که نوجوانان ورزشکار صرف فعالیتی خاص می‌کنند و نسبت به آن مصمم هستند و حتی دست کشیدن از آن فعالیت برایشان سخت است. این متغیر از طریق سؤال‌های ۱ تا ۴ پرسشنامه تعهد ورزشی اسکالنن سنجیده می‌شود.

ب) لذت ورزشی

- تعریف مفهومی

لذت بردن (به معنای دریافت پاداش) از مشارکت در انجام فعالیت‌های ورزشی (کلی، ۱۹۸۳)؛ احساس تحرکی که سبب ایجاد قابلیتی منحصر به فرد در افراد می‌شود که فقط در تجارب مربوط به فعالیت‌های ورزشی وجود دارد. شور و شغف، هیجان و شادی به خصوصی که بچه‌ها حین فعالیت‌های ورزشی از خود بروز می‌دهند که در سایر حوزه‌ها نمی‌توان این‌گونه شادی و شغف را مشاهده کرد.

- تعریف عملیاتی

نوجوانان ورزشکار از انجام دادن ورزش مد نظر احساس لذت می‌کنند و اوقات مفرح و سرگرم‌کننده‌ای را می‌گذرانند و دوست دارند در این فصل به آن ادامه دهند و از این کار خوشحال هستند. این متغیر از طریق سؤال‌های ۵ تا ۸ پرسشنامه تعهد ورزشی سنجیده می‌شود.

ج) فشارهای اجتماعی

- تعریف مفهومی

فشار اجتماعی انتظاراتی اجتماعی تلقی می‌شوند که حس تعهد به اطاعت برای باقی ماندن در فعالیتی خاص را به دنبال دارند.

در تعریف نهایی فشارهای اجتماعی به فشار اعمال شده از جانب والدین، همسالان و... اشاره دارد که برای باقی ماندن در فعالیتی خاص که ممکن است پیوستگی آن قطع گردد، اطلاق می‌شود (بیکر، ۱۹۶۰).

- تعریف عملیاتی

طبق این متغیر، نوجوانان ورزشکار احساس می‌کنند برای خشنود کردن والدین خود و همچنین برای اینکه مورد سرزنش افکار عمومی قرار نگیرد (فکر نکنند از زیر کار شانه خالی می‌کنند) به فعالیت مد نظر می‌پردازند. این متغیر از طریق سؤال‌های ۹ تا ۱۱ پرسشنامه تعهد ورزشی سنجیده می‌شود.

د) فرصت‌های مشارکت

- تعریف مفهومی

فرصت‌های مشارکت به ادراک بودن فرصت‌های مهم اشاره دارد که تنها از طریق مشارکت مداوم امکان پذیر می‌شود (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳). این متغیر به فرصت‌های باارزشی گفته می‌شود که فقط از طریق مشارکت در ورزش ارائه می‌گردد. در نهایت از فرصت‌های مشارکت، به عنوان سرمایه گذاری بیرونی، انتظار می‌رود منافی مانند برقراری روابط دوستانه، کنش متقابل مثبت با بزرگسالان، کسب تبحر در مهارت، تغییر در ظاهر بدنی و افزایش سلامت را برای افراد به دنبال داشته باشد (به نقل از پارسا مهر، ۱۳۹۱).

- تعریف عملیاتی

نوجوانان ورزشکار در این متغیر احساس می‌کنند اگر فعالیت مد نظر را ترک کنند، برای مربی و دوستانش و لحظات خوشی که داشتند، دلتنگ می‌شوند. این متغیر از طریق سؤال‌های ۱۲ تا ۱۴ پرسشنامه تعهد ورزشی سنجیده می‌شود.

۲. سبک‌های فرزندپروری

هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیر کلامی والدین که ماهیت تعاملات والد-کودک را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کنند، با عنوان شیوه فرزندپروری شناخته می‌شوند (مایز و پتیت، ۱۹۹۷).

الف) سبک مقتدرانه

- تعریف مفهومی

والدین مقتدر (پاولسون و اسپوتا، ۱۹۹۶) بسیار کنترل‌کننده و مطالبه‌گر و بسیار پاسخ‌دهنده و پذیرا هستند. رفتار مقتدرانه باعث رشد عاطفی و شناختی مثبت در کودکان می‌شود. یافته‌های تجربی نشان داده است که رفتار والدین با اقتدار با سطح بالاتری از سازگاری و انطباق، بلوغ روانی، شایستگی روانی-اجتماعی، عزت نفس و موفقیت آموزشی مرتبط است (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۳).

- تعریف عملیاتی

در این سبک فرزندپروری، والدین اگر تصمیمی برای بچه‌ها می‌گیرند، دلایل آن را برای بچه‌ها توضیح می‌دهند و درباره محدودیت‌های ایجادشده آنها را قانع می‌کنند. والدین در این سبک به جای تنبیه، فرزندان خود را راهنمایی می‌کنند؛ از این رو فرزندان آزادانه مشکلات خود را با والدین در میان می‌گذارند، چون می‌دانند اگر کار خطایی انجام دهند، در مطرح کردن آن با والدین خود تنبیه نمی‌شوند. همچنین نظر آنها در مسائل خانواده دخالت داده می‌شود. این متغیر از طریق سؤلهای ۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۳، ۲۷ و ۳۰ پرسشنامه سنجیده شده است.

ب) سبک مستبدانه

- تعریف مفهومی

والدین مستبد بسیار مطالبه‌کننده و کنترل‌کننده هستند، در حالی که پذیرش و پاسخ‌دهی‌شان در حد پایین است و به نیازهای کودک بی‌توجهی می‌کنند. عملکرد تحصیلی و فکری کودکان

چنین والدینی غالباً ضعیف است و در روابط خود با همسالان، از فقدان حس ابتکار، رهبری و اتکا به نفس رنج می‌برند (هترینگتون و پارک، ۱۹۸۶).

- تعریف عملیاتی

در این سبک فرزندپروری، والدین معتقدند که فرزندان باید بدون چون و چرا از والدین خود اطاعت کنند، چون این کار باعث می‌شود که آنها در آینده افرادی جدی و کوشا بار بیایند. شوخی و بازی بچه‌ها را در مقابل خود نوعی توهین می‌دانند و بر این باورند که اگر به نظر بچه‌ها توجه کنند، آنها گستاخ‌تر می‌شوند. همچنین با نظرهای مخالف خود به شدت برخورد می‌کنند. این متغیر از طریق سؤال‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶ و ۲۹ سنجیده شده است.

ج) سبک سهل‌گیر

- تعریف مفهومی

والدین سهل‌گیر (هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳) مطالبه‌کنندگی و کنترل را در حد بسیار پایین، و پاسخ‌دهی و پذیرش را در حد بسیار بالا به کار می‌برند. در اینجا به جای انضباط بیش از حد، آسان‌گیری و ناهمسانی رفتار باعث رشد رفتاری کنترل‌نشده و تکانشی در فرزندان می‌شود (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۳).

- تعریف عملیاتی

در این سبک فرزندپروری والدین به بچه‌ها اجازه می‌دهند تا هر آنچه را که می‌خواهند انجام دهند. در کارهای مربوط به آنها دخالت نمی‌کنند و اجازه می‌دهند خودشان در کارهای خود تصمیم‌گیرنده باشند. همچنین معتقدند که نباید بچه‌ها را در منزل محدود کرد. در تصمیم‌گیری‌ها فقط طبق نظر بچه‌ها عمل می‌کنند. اجازه می‌دهند که بچه‌ها هر زمان که خواستند از منزل خارج شوند و درباره اشتباه‌های آنها هیچ‌گاه آنان را سرزنش نمی‌کنند. این متغیر از طریق سؤال‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ و ۲۸ سنجیده شده است.

۳. نوجوانان

نوجوانان افراد بین ۱۰ تا ۱۵ سال را تشکیل می‌دهند.

مبانی نظری

۱. تعهد چیست؟

فرهنگ لغت کمبریج واژه تعهد را تمایل به دادن وقت و انرژی خود به چیزی که باور دارید یا وعده یا قول یا تصمیم جدی برای انجام دادن کاری معنی می‌کند (شم‌آبادی، ۱۳۹۵). «تعهد را می‌توان نوعی الزام دانست که آزادی عمل را محدود می‌کند» (فرهنگ لغت آکسفورد، ۱۹۶۹). «تعهد در لغت به معنی بر گردن گرفتن کاری، عهده گرفتن، نگاه داشتن و عهد و پیمان بستن است» (سنجری، ۱۳۷۵: ۳۴-۱۴).

به عقیده سالانسیک، تعهد حالتی در انسان است که در آن فرد با اعمال خود و از طریق این اعمال به این باور می‌رسد که به فعالیت‌ها تداوم بخشد و مشارکت مؤثر خویش را در انجام آنها حفظ کند (به نقل از ساروقی، ۱۳۷۵).

۲. انواع تعهد

تعهد در سازمان به انواع مختلف نظیر تعهد مکتبی، تعهد ملی، تعهد خویشن مدارانه، تعهد گروهی و تعهد سازمانی تقسیم می‌شود (به نقل از روح‌الله تولایی و مسلم باقری، ۱۳۸۹). تعهد مکتبی از تعلق به یک جهان‌بینی به وجود می‌آید و به میزان تقید فرد به الزامات نگرشی و گرایشی مکتب مربوط، می‌تواند از نوع تعهد اصول‌گرایانه یا سازش‌کارانه یا معتدل و معقول قلمداد شود. تعهد ملی، همان حس ناشی از وطن‌دوستی است که فرد طی آن مصالح ملی و میهنی خویش را ملاک رفتار خود قرار می‌دهد. تعهد خویشن‌مدارانه از علاقه‌مندی بیش از اندازه فرد به منافع خود ناشی می‌شود و معمولاً افرادی که گرفتار کیش شخصیت و خودبرتربینی یا بی‌توجه به منافع دیگران و سازمان هستند، از آن برخوردارند؛ بنابراین، به تناسب محور بودن منافع فردی و ناسازگاری آن با منافع سازمان‌های رفتاری بروز پیدا می‌کند.

تعهد گروهی وابستگی فرد به گروه است. ترجیح اهداف گروه، مشخصه اصلی این نوع تعهد است. تعهد گروهی می‌تواند در جهت تقویت فعالیت‌های گروهی یا پدیده گروه‌فکری عمل کند. خاستگاه گروه‌اندیشی یا تعهد گروهی منفی نیاز به حرمت داشتن، نیاز به اعتماد، کاهش فشار احساس گناه، نایل شدن به اهداف غیررسمی و احساس پیروی از شخصیت مافوق است

(الوانی، ۱۳۷۲: ۸۲-۸۶). آثار زیان‌بار گروه‌اندیشی می‌تواند شامل توهم آسیب‌ناپذیری، گریز از نقد منطقی، اجتناب از ارزیابی، یکسونگری و تعصب گروهی، کلیشه‌سازی غیرمعقول، اعمال فشار بر اعضا، اغماض لغزش‌ها، توافق جمعی بی‌منطق، نادیده گرفتن اطلاعات مخالف، مسدود کردن سایر مجاری اطلاعات و تعصب روی کارکرد گذشته و تصمیم‌های اتخاذ شده باشد (باقری و تولایی، ۱۳۸۹).

۳. تعهد سازمانی

برگمان و همکارانش تعهد سازمانی را چنین تعریف کرده‌اند: تعهد سازمانی عبارت است از باور قاطع افراد در پذیرش ارزش‌ها و اهداف سازمان و تمایل به تلاش بیشتر و حفظ هویت در سازمان.

پورتر و همکارانش (۱۹۷۴) تعهد سازمانی را پذیرش ارزش‌های سازمان و درگیر شدن در سازمان تعریف می‌کنند و معیارهای اندازه‌گیری آن را شامل انگیزه، تمایل برای ادامه کار و پذیرش ارزش‌های سازمان می‌دانند. چاتمن و اورایی (۱۹۶۸) تعهد سازمانی را به معنی حمایت و پیوستگی عاطفی به اهداف و ارزش‌های یک سازمان برای خود سازمان و دور از ارزش‌های ابزاری آن (وسیله‌ای برای دستیابی به اهداف دیگر) تعریف می‌کنند (رنجبریان، ۱۳۷۵).

تعهد سازمانی عبارت از نگرش‌های مثبت یا منفی افراد نسبت به کل سازمان (نه شغل) است که در آن مشغول به کارند. در تعهد سازمانی شخص نسبت به سازمان احساس وفاداری قوی دارد و از طریق آن سازمان خود را مورد شناسایی قرار می‌دهد (استرون، ۱۳۷۶).

شلدون تعهد سازمانی را چنین تعریف می‌کند: نگرش یا جهت‌گیری که هویت فرد را به سازمان مرتبط یا وابسته می‌کند. کانتر نیز تعهد سازمانی را تمایل عاملان اجتماعی به اعطای نیرو و وفاداری خویش به سیستم‌های اجتماعی می‌داند (به نقل از اسماعیلی، ۱۳۸۰).

به نظر لوتانز و شاو (۱۹۹۲)، تعهد سازمانی به عنوان یک نگرش عبارت است از تمایل قوی به ماندن در سازمان، تمایل به اعمال تلاش فوق‌العاده برای سازمان، اعتقاد قوی به پذیرش ارزش‌ها و اهداف (عراقی، ۱۳۷۷).

لیمن و پورتر تعهد سازمانی را همسان‌سازی و پیوند به آن تعریف می‌کنند که از سه عامل زیر تشکیل می‌شود:

۱. قبول داشتن سازمان و پذیرش اهداف آن؛

۲. آمادگی برای بذل کوشش قابل توجه بیشتر؛

۳. علاقه‌مندی به حفظ عضویت در سازمان.

در مجموع مؤلفه‌هایی همچون توجه به اهداف و ارزش‌های سازمان، احساس تعلق و وفاداری به سازمان، همانندسازی و هویت‌یابی با سازمان و تمایل به ماندن در سازمان، هسته اصلی سازه تعهد سازمانی هستند (بنت و دورکین، ۲۰۰۰؛ لیز، ۱۹۹۸؛ بتمن و استیرز، ۱۹۸۴؛ پورتر و دیگران، ۱۹۷۴).

۴. انواع تعهد سازمانی

الف) تعهد نگرشی یا اخلاقی

از همانندسازی و دل‌بستگی نسبتاً بالای فرد با یک سازمان خاص به دست می‌آید (مودی و همکاران، ۱۹۸۲). این تعریف به‌طور مفهومی می‌تواند دست‌کم به وسیله سه عامل زیر مشخص شود:

۱. اعتقاد قوی به پذیرش اهداف و ارزش‌های سازمان؛

۲. تمایل به انجام تلاش‌های چشم‌گیر برای سازمان؛

۳. تمایل به ادامه عضویت در سازمان (به نقل از امامی، ۱۳۸۷).

ب) تعهد حسابگرانه یا رفتاری

تعهد حسابگرانه به‌عنوان پدیده‌ای ساختاری که نتیجه معامله فرد و سازمان و همچنین دگرگونی در مزایای جانبی و سرمایه‌گذاری‌هایی که برای فرد در طول زمان به‌وجود می‌آید، تعریف شده است (هربی نیاک و الوتو، ۱۹۷۲).

ج) تعهد هنجاری

این تعهد فرایندی است که به‌موجب آن کنش‌های سازمانی مثل گزینش‌ها و روش‌های اجتماعی شدن و ویژگی‌های درونی فرد همچون وفاداری تعمیم‌یافته، ارزش‌های مورد توافق سازمان مشخص و نگرش‌های وظیفه‌ای باعث ایجاد تعهد سازمانی می‌شود (واینر و واردی، ۱۹۸۰).

د) تعهد ورزشی

در ورزش، تعهد یک سازه روان‌شناختی است که عموماً به انگیزه برای ادامه تمرین‌های ورزشی اشاره دارد. تعهد ورزشی می‌تواند به یک برنامه ورزشی، یک رشته ورزشی (مثل فوتبال) یا تعهد به شرکت مستمر در انواع فعالیت‌های ورزشی مربوط باشد (جانسون، ۱۹۸۲). بنابر تعریف اسکن لن (۱۹۹۳) تعهد ورزشی عبارت است از: ساختار روان‌شناختی که نشان‌دهنده تمایل و عزم فرد به تداوم مشارکت در فعالیت‌های ورزشی است. اسکن لن و همکارانش برای بررسی تعهد تمرین (مشارکت مداوم در ورزش) متغیرهای خاصی را مد نظر قرار داده‌اند (کارپنتر، ۱۹۹۵).

اسکن لن و سیمون با بهره‌گیری از نظریه راولند و فریدسون مبنی بر لذت‌بخش کردن مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، متغیر لذت ورزشی را در مدل انگیزشی بزرگ‌تری به نام مدل تعهد ورزشی که به معنی میل و تصمیم به ادامه مشارکت در فعالیت ورزشی است، به کار می‌گیرند. تعهد ورزشی به عنوان یک ساختار روان‌شناختی، نشان‌دهنده میل و خواست فرد برای شرکت مستمر در فعالیت‌های ورزشی است. تعهد ورزشی منعکس‌کننده نیروهای انگیزشی فرد برای ادامه مشارکت و نشان‌دهنده اهمیت زیرساخت‌های روانی مثبتی بر پافشاری بر ادامه یک رفتار یا فعالیت معین است. توجه اصلی مدل تعهد اسکن لن و سیمون بر تداوم انجام عمل، پافشاری بر انجام رفتار یا فعالیتی خاص طی یک دوره است. در واقع هدف اصلی از کاربرد مدل تعهد توسط آنها در حوزه ورزش، شناخت قدرت تبیین و میزان تأثیرگذاری متغیرهای آن بر مشارکت مستمر افراد در فعالیت ورزشی بوده است. در مدل تعهد ورزشی اسکن لن و همکارانش، چند عامل کلیدی خرد شامل لذت بردن، سرمایه‌گذاری شخصی، فشار اجتماعی و فرصت‌های مشارکت وجود دارند. مجموعه این عوامل بر تعهد فرد به ادامه رفتار تأثیر می‌گذارند (مهربان، پارسا مهر، ۱۳۸۵).

یکی از متغیرهایی را که پژوهشگران در این رابطه مطرح می‌کنند لذت بردن (به معنای دریافت پاداش) از مشارکت در انجام فعالیت‌های ورزشی است (کلی، ۱۹۸۳). بررسی‌ها نشان داده است که ورزشکاران پیوسته میل به لذت بردن، تفریح کردن و سرگرم شدن را به عنوان محرک‌های مهم برای شرکت در برنامه‌های ورزشی مطرح می‌کنند (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳). در مطالعات مربوط به تعهد ورزشی که تا به حال صورت گرفته لذت بردن یکی از مهم‌ترین و قوی‌ترین عوامل تعیین‌کننده در تصمیم‌گیری افراد برای مشارکت در فعالیت‌های

ورزشی بوده است (به نقل از پارسا مهر، ۱۳۸۵). اسکن لن و همکارانش چندین مطالعه درباره منابع ایجاد لذت بین افرادی انجام داده‌اند که در فعالیت‌های ورزشی متفاوتی نظیر والیبال، بیس بال، شنا و اسکیت در گروه‌های سنی مختلف مشغول فعالیت ورزشی بوده‌اند. آنها در این پژوهش دریافته‌اند لذت بردن یکی از منابع مهم برای مشارکت در ورزش است. منابع کسب لذت شامل تعامل‌های اجتماعی مثبت، حمایت از سوی معلمان و مربیان، والدین و همسالان، افزایش ادراک فردی از توانایی‌های جسمانی، آگاهی اجتماعی از قابلیت‌های جسمانی، سعی در یادگیری و ارائه مهارت‌ها و در نهایت کسب مهارت و احساس تحرک است. این احساس تحرک سبب ایجاد قابلیت منحصربه‌فرد در افراد می‌شود که فقط در تجارب مربوط به فعالیت‌های ورزشی وجود دارد. این احساس را نمی‌توان از حوزه‌های دیگر مثل هنر، موسیقی و غیره به‌دست آورد. برای مثال کودکان و نوجوانان هنگام سر خوردن در آب، هنگام شنا یا اسکی روی آب یا وقتی به هوا می‌جهند و در هوا چرخ می‌خورند، وقتی که ژیمناستیک می‌کنند یا اسکیت بازی می‌کنند، شور و شغف، هیجان و شادی به‌خصوصی از خود بروز می‌دهند که در سایر حوزه‌ها نمی‌توان این‌گونه شادی و شغف را مشاهده کرد.

مک دونالد (۲۰۱۰) در بخشی از مطالعه خود به بررسی نقش لذت، انگیزش و تمرین‌های مربی در رشد ورزشکار پرداخت و به این نتیجه رسید که انگیزش و لذت در رشد فردی شرکت‌کنندگان در ورزش نقشی اساسی دارد. همچنین نتایج این مطالعه نشان داد جو انگیزشی و لذت به‌وسیله مربی و برنامه‌های او جهت پیدا می‌کند. سوسا و همکارانش (۲۰۰۷) در مطالعه خود که به بررسی تعهد بازیکنان جوان فوتبال پرداختند، به این نتیجه رسیدند که لذت و تعهد ورزشی قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تعهد ورزشی هستند. لئو و همکارانش (۲۰۰۹) نقش مربی را در کسب سطح مطلوب تعهد ورزشی بسیار حساس دانستند. آندرو (۲۰۰۴) در پژوهشی با عنوان «اثر همخوانی رفتارهای رهبری بر انگیزش، تعهد، و رضایت بازیکنان تنیس» به این نتیجه رسید که همخوانی (انسجام) رفتارهای رهبری ترجیح داده‌شده و درک‌شده می‌تواند بر تعهد ورزشی و لذت ورزشی تأثیر بگذارد (به نقل از نوروزی سید حسینی، ۱۳۹۰).

سرمایه‌گذاری شخصی: سرمایه‌گذاری شخصی شامل منابعی مثل زمان، انرژی، تلاش فردی، هزینه‌های پولی و منابع دیگری است که افراد برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی هزینه می‌کنند.

اگر مشارکت افراد در فعالیت بدنی پیوسته و مداوم نباشد، صرف زمان، مصرف انرژی، تلاش فردی و غیره بی‌ثمر خواهد بود. این سرمایه‌گذاری‌ها با پایان دادن به مشارکت برگردانده نمی‌شوند. بنابراین وقتی افراد در فعالیتی سرمایه‌گذاری می‌کنند از نظر روانی بیشتر وابسته می‌شوند چون منابع زیادی را برای مشارکت خود هزینه کرده‌اند. فرض بر این است که سرمایه‌گذاری فردی بالاتر در فعالیتی خاص سبب مشارکت بیشتر در انجام آن فعالیت می‌شود (روسبولت و همکاران، ۱۹۸۰).

۵. فشارهای اجتماعی

فشار اجتماعی انتظاراتی اجتماعی هستند که حس تعهد به اطاعت برای باقی ماندن در فعالیتی خاص را به دنبال دارند. متغیر فشار اجتماعی بیانگر حسی از فشار اجتماعی برای مشارکت در فعالیتی خاص است. هر چه فشار از طرف دیگران برای تداوم بیشتر باشد، مشارکت در فعالیتی خاص بیشتر می‌شود. در تعریف نهایی فشارهای اجتماعی به فشار اعمال شده از جانب والدین، همسالان و... اشاره دارد که برای باقی ماندن در فعالیتی خاص که ممکن است پیوستگی آن قطع گردد، اطلاق می‌شود (بیکر، ۱۹۶۰).

فرصت‌های مشارکت: در این مدل فرصت‌های مشارکت به ادراک بودن فرصت‌های مهم اشاره دارد که تنها از طریق مشارکت مداوم امکان پذیر می‌شود. این متغیر به فرصت‌های باارزشی اطلاق می‌شود که فقط از طریق مشارکت در ورزش ارائه می‌گردد. در نهایت از فرصت‌های مشارکت، به عنوان سرمایه‌گذاری بیرونی، انتظار می‌رود منافعمانند برقراری روابط دوستانه، کنش متقابل مثبت با بزرگسالان، کسب تبحر در مهارت، تغییر در ظاهر بدنی و افزایش سلامت را برای افراد به دنبال داشته باشد (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳). فرصت‌های مشارکت نشان‌دهنده جذابیت بیشتر یا جذابیت کمتر فعالیتی نسبت به فعالیتی دیگر است. مفهوم فرصت‌های دیگر، که کلی مطرح کرده و از پژوهش‌های روسبولت برگرفته، سه فرض سرمایه‌گذاری شخصی برای انجام فعالیت یا رفتاری خاص، تأثیر هنجارهای اجتماعی (محدودیت‌های اجتماعی) و فرصت‌هایی را دربرمی‌گیرد که از مشارکت مداوم (فرصت درگیر شدن) در فعالیتی خاص نصیب افراد می‌شود. اما پژوهش‌ها نشان داده‌اند که وجود فرصت‌های دیگر بین گروه‌های متفاوت نتایج

یکسانی برای مشارکت یا عدم مشارکت در فعالیتی خاص به دنبال ندارد؛ چنان که در بیشتر موارد ورزشکاران جوان قادرند حین مشارکت در برنامه‌های ورزشی به فعالیت‌های غیرورزشی ادامه دهند (اسکن لن و همکاران، ۱۹۹۳).

دسته دیگر از عوامل مربوط به وجود پیوسته موانع یا محدودیت‌هاست (برس چید، کامپ بل، ۱۹۸۵). برشید و کمپل موانع یا محدودیت‌ها را شامل هزینه‌ها، اعم از مالی، اجتماعی، روانی، عاطفی و غیره می‌دانند که سبب می‌شوند فرد داوطلبانه به انجام رفتاری ترغیب یا از آن منصرف شود (به نقل از پارسا مهر، ۱۳۹۰). پژوهش‌ها نشان داده‌اند ارتباط مثبتی بین محدودیت‌ها و مشارکت در ورزش وجود دارد. کلینت و ویسس در پژوهش خود دریافتند ژیمناست‌های جوان در برابر عدم ادامه مشارکت در فعالیت ورزشی (رها کردن ورزش) از خود مقاومت نشان می‌دهند؛ زیرا نگران از دست دادن دوستان خود، هم‌تیمی‌ها یا مربی خود در محیط ورزشی هستند.

بنابراین می‌توان گفت هدف اصلی اسکن لن و همکارانش از کاربرد مدل تعهد ورزشی شناخت قدرت تبیین و میزان تأثیرگذاری متغیرهای آن بر مشارکت پیوسته افراد در فعالیت‌های ورزشی بوده است. پژوهش‌هایی در حوزه روان‌شناسی ورزش درباره انگیزه‌های افراد از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی انجام شده است (جانسون، ۱۹۸۲)؛ ولی پژوهش‌های زیادی درباره متغیرهایی که انگیزه تعهد به مشارکت مداوم در ورزش را بررسی کرده باشند صورت نگرفته است (به نقل از حسینی‌نیا، ۱۳۹۳).

در سال‌های اخیر محققان علاقه زیادی به مفهوم تعهد ورزشی نشان داده‌اند. برای مثال لوگ هد (۲۰۰۳) نشان داد که سبک و رفتار مربی عاملی است که متغیرهای متعددی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با توجه به اینکه ورزشکاران و مربیان دائم در تعامل با یکدیگرند و از هم تأثیر می‌پذیرند، به نظر می‌رسد تعهد ورزشکاران از جمله این متغیرها باشد که می‌تواند تحت تأثیر رفتار رهبری مربی قرار گیرد. یکی از نتایج مهم هر برنامه تمرینی رضایتی است که شرکت‌کنندگان از آن به دست می‌آورند. اگر فردی از برنامه تمرینی راضی باشد، به ادامه و ثبت نام در برنامه‌های آتی نیز تمایل پیدا می‌کند (به نقل از ؟؟؟؟؟).

۶. فرزندپروری

فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل روش‌ها و رفتارهایی ویژه است که به‌طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزندپروری مبین تلاش‌های والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکان‌شان است (بامریند، ۱۹۹۱). البته باید توجه کرد که در این تعریف روش‌های بهنجار فرزندپروری مد نظر است و روش‌هایی چون سوءاستفاده از کودکان را دربر نمی‌گیرد.

در متون اسلامی نیز فرزندپروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، زمینه‌سازی‌ها، آموزش‌ها، تعامل‌ها و روش‌هایی است که به‌طور مجزا و در تعامل با یکدیگر بر رشد شناختی، معنوی، عاطفی و رفتاری، در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد (فلاین، ۱۹۹۴؛ جریس، دی کویک و جانسنز، ۱۹۹۷؛ گودناو و کولینس، ۱۹۹۰؛ پیندرهیوز و دیگران، ۲۰۰۰؛ رونر، کین و کورنویر، ۱۹۹۱).

وضعیت اجتماعی و اقتصادی، فرهنگ و نگرش والدین نسبت به فرزندپروری بر تعامل میان والدین و فرزندان تأثیرگذار است (به نقل از شکوهی یکتا، ۱۳۸۵؛ مایز و پتیت، ۱۹۹۷). هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیر کلامی والدین که ماهیت تعاملات والد-کودک را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کنند، با عنوان شیوه فرزندپروری شناخته می‌شوند (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۳). هرچند عوامل مختلفی از قبیل سن، جنسیت، ادراک توانایی و قابلیت بر انگیزه مشارکت ورزشی نوجوانان اثرگذارند، ولی یکی از عوامل اصلی اثرگذار، والدین هستند. مطالعات نشان داده‌اند که سایر افراد مهم از قبیل دوستان، معلمان و مربیان نیز نقش بسزایی در مشارکت ورزشی کودکان و نوجوانان دارند (دیکسون و وارنر، ۲۰۰۸).

از آنجا که نوجوانان بیشتر وقت خود را کنار خانواده می‌گذرانند، آیا والدین می‌توانند در تداوم مشارکت ورزشی فرزندان خود مؤثر باشند؟ میزان این تأثیر چقدر است؟ آیا تا کنون تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است؟ (لیل آبادی، ۱۳۷۵) تأثیر خانواده به‌عنوان اولین و مؤثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان، امری بدیهی است و تردیدی نیست که خانواده به‌عنوان قوی‌ترین سیستم بر پایه‌ریزی رفتار و شکل‌گیری شخصیت و فرایندهای درونی فرزند تأثیر عمیق و بسزایی دارد و آنها را شکل می‌دهد (احدی و بنیجمالی، ۱۳۷۲). در سال‌های اخیر پژوهش‌های

دامنه‌داری درباره عوامل خانوادگی مؤثر در رفتار و طرز فکر کودک انجام شده است. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تأثیر عوامل و روابط خانوادگی بر شخصیت کودک بسیار مهم و حیاتی است (لیل آبادی، ۱۳۷۵). بسیاری از ویژگی‌های شخصیتی کودک تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و شیوه فرزندپروری والدین است (به نقل از نقی‌پور، ۱۳۹۰؛ کات و وود، ۲۰۰۴). والدین ارزش‌ها و نگرش‌ها و همچنین عادات خرید، نام‌های تجاری و اولویت‌های مصرف را به فرزندان خود انتقال می‌دهند.

با اینکه پژوهش‌های بسیاری در زمینه عوامل مؤثر بر رفتار کودکان و نوجوانان صورت گرفته، اما در زمینه تعهد ورزشی نوجوانان پژوهش‌های زیادی نشده است. از آنجا که تداوم مشارکت ورزشی در این قشر از افراد جامعه بسیار پراهمیت بوده و تأثیر والدین در این دوره نیز انکارناپذیر است و می‌تواند زمینه‌ساز تداوم مشارکت ورزشی در دوره‌های بالاتر شود، احساس می‌شود پژوهش‌ها درباره تأثیر والدین بر تعهد ورزشی نوجوانان قدری نادیده گرفته شده است.

پژوهش‌های مختلف (کینگ و ویلسون، ۲۰۰۸؛ لایو، لی و رانسدل، ۲۰۰۷) نشان دادند که الگوها و سطح فعالیت بدنی والدین رابطه معناداری با فعالیت بدنی کودکانشان دارد. با توجه به اعتقادی که در رابطه با نقش حیاتی والدین در توسعه تجربه‌های ورزشی در ورزشکاران نوجوان وجود دارد، اخیراً علاقه به بررسی تأثیر والدین بر فعالیت ورزشی نوجوانان در حال افزایش است، زیرا فرزندان ارزش فوق‌العاده‌ای برای ارزشیابی والدین نسبت به عملکرد خود قائل‌اند. در واقع انتظارات و بازخوردهایی که ورزشکاران جوان از والدین درباره تلاش و عملکرد ورزشی خود دریافت می‌کنند، برای آنها حائز اهمیت است (سایپجا، ۲۰۰۹). بنابراین شیوه تربیت فرزندان عاملی است که احتمال دارد شیوع کم‌حرکی را تشدید کند؛ زیرا والدین تأثیر بسیاری بر رفتارهای کودکان خود دارند. این آثار احتمالاً در سبک‌های فرزندپروری والدین آشکار می‌شود (جاگو، داویسون، بروکمن، آنجی و پاگه آ، ۲۰۱۱). سبک‌های فرزندپروری چگونگی تعامل والدین را با فرزندانشان نشان می‌دهد (دارلینگ و اشتبرگ، ۱۹۹۳). سبک‌های فرزندپروری را به مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزند، و در رابطه با تربیت فرزندان تعریف کرده‌اند که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می‌شود (کاردونا، نیچلسن و فاکس، ۲۰۰۰). از آنجا که نگرش والدین در شیوه‌های فرزندپروری تحت تأثیر مسائل فرهنگی، اجتماعی و غیره قرار

می‌گیرد، شیوه‌های فرزندپروری در گروه‌های مختلف ممکن است متفاوت باشد (به نقل از عبدی مقدم، ۱۳۹۲).

۷. شیوه‌های فرزندپروری

بر اساس مطالعات بامریند (۱۹۹۱)، شیوه‌های فرزندپروری به سه سبک فرزندپروری اقتداری، استبدادی و آسان‌گیرانه تقسیم می‌شوند.

الف) والدین مقتدر: (پاولسون و اسپوتا، ۱۹۹۶) بسیار کنترل‌کننده و مطالبه‌گر و بسیار پاسخ‌دهنده و پذیرا هستند. رفتار مقتدرانه باعث رشد عاطفی و شناختی مثبت در کودکان می‌شود.

یافته‌های تجربی نشان داده است که رفتار والدین با اقتدار با سطح بالاتری از سازگاری و انطباق، بلوغ روانی، شایستگی روانی-اجتماعی، عزت نفس، و موفقیت آموزشی مرتبط است (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۳). والدین در سبک فرزندپروری اقتداری بر خودمختاری فرزندان در محدوده مقررات خانواده تأکید می‌کنند (اسعدی، شاه منصور، محمدی، رضاعی و جی سمتانا، ۱۳۸۴). در این سبک، والدین می‌دانند فرزندان‌شان چه می‌کنند، کجا می‌روند و با چه کسانی دوست هستند؛ ولی سعی می‌کنند درباره توقعات و انتظارات خود دلایلی قانع‌کننده عرضه کنند و حاضرند خواسته‌هایشان را بر حسب موقعیت تعدیل کنند. والدین در سبک فرزندپروری اقتداری بر خودمختاری فرزندان در محدوده مقررات خانواده تأکید می‌کنند (به نقل از عبدی مقدم، ۱۳۹۲).

ب) والدین مستبد: (هترینگتون و پارک، ۱۹۸۶) بسیار مطالبه‌کننده و کنترل‌کننده هستند، در حالی که پذیرش و پاسخ‌دهی‌شان در حد پایین است و به نیازهای کودک بی‌توجهی می‌کنند. عملکرد تحصیلی و فکری کودکان چنین والدینی غالباً ضعیف است و در روابط خود با همسالان، فاقد حس ابتکار، رهبری و اتکا به نفس هستند (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۳).

ج) والدین سهل‌گیر: (هترینگتون و پارک، ۱۳۷۳) مطالبه‌کنندگی و کنترل را در حد بسیار پایین و پاسخ‌دهی و پذیرش را در حد بسیار بالا به کار می‌برند. در اینجا به جای انطباق

بیش از حد، آسان‌گیری و ناهمسانی رفتار باعث رشد رفتاری کنترل نشده و تکانشی در فرزندان می‌شود. عده‌ای از پژوهشگران یک دسته دیگر از والدین را به این تقسیم‌بندی اضافه می‌کنند (میسترز و موریس، ۲۰۰۴).

دوالدین مسامحه‌کار و غافل: این نوع والدین بی‌اعتنا هستند و مطالبه‌کنندگی یا کنترل و پاسخ‌دهی یا پذیرش را در حد بسیار پایین نشان می‌دهند. کودکان چنین خانواده‌هایی از نظر اجتماعی، بی‌مسئولیت و از نظر فکری، نارس و از لحاظ عملکرد تحصیلی و عزت نفس، ضعیف هستند (به نقل از یوسفی، ۱۳۹۳).

از آنجا که نقش والدین تأثیری معنی‌دار روی مشارکت بچه‌ها در فعالیت بدنی قبل از دوران نوجوانی دارد، والدین می‌توانند نقش بسیار مهمی در تشویق دانش‌آموزان به فعالیت بدنی داشته باشند. کارسون و همکاران (۱۹۸۸) در پژوهشی گزارش دادند که والدین به‌طور چشم‌گیری روی احساسات نوجوانان و همچنین الگوها و عادات ورزشی آنها تأثیر گذارند. احتمال دارد تأثیراتی که والدین روی فرزندان خود می‌گذارند، به عملکردی از شیوه فرزندپروری مربوط باشد.

از آنجا که نگرش والدین در ارتباط با شیوه فرزندپروری تحت تأثیر مسائل فرهنگی، اجتماعی و غیره قرار می‌گیرد، شیوه‌های فرزندپروری ممکن است در گروه‌های مختلف فرق کند (به نقل از بهروزی، ۱۳۹۱). هر خانواده شیوه خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. والدین سهل‌گیر گرچه با فرزندان خود تا حدودی گرم‌اند و نسبت به آنها محافظه‌کارند، اما به بچه‌های خود این آزادی را می‌دهند که مانند بزرگ‌ترها حق و حقوقی داشته باشند (برک، ۲۰۰۵). والدین مقتدر به فرزندان خود استقلال و آزادی فکری می‌دهند. والدین مستبد توقع و کنترل روانی زیادی دارند، اما پاسخ‌گویی‌شان پایین است (به نقل از بهروزی، ۱۳۹۱).

با توجه به پژوهش‌های انجام‌شده و همچنین تأثیر انکارناپذیر والدین روی فرزندان، در پژوهش حاضر سعی شده است بررسی شود که آیا بین شیوه‌های مختلف فرزندپروری و مشارکت مداوم ورزشی (تعهد ورزشی) نوجوانان رابطه معنی‌داری وجود دارد یا نه؟ و در صورت وجود رابطه میزان آن چقدر ممکن است باشد؟

چارچوب نظری

راولند و فریدسون (۱۹۹۴) این نظر را مورد تأیید قرار داده‌اند که افراد باید یک رویه همراه با تعهد و دلبستگی را برای مشارکت مستمر در فعالیت‌های ورزشی در زندگی روزمره برای همه طول عمر خود و به‌طور منظم در سبک زندگی خود پی بگیرند تا از فواید آن در زندگی بهره‌مند شوند. آنها معتقدند برای ایجاد شرایط لازم به‌منظور مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی، ورزش باید به‌صورت لذت‌بخشی در سنین پایین به کودکان عرضه شود تا آنها بتوانند در آینده دوباره به آن تمایل پیدا کنند. با ارائه ورزش به‌صورت لذت‌بخش به افراد، مشارکت در فعالیت‌های ورزشی به یک میل درونی تبدیل می‌شود و مشارکت افراد در آن به‌طور مداوم ادامه می‌یابد. به نظر آنها، ایجاد شرایط لازم برای شکل‌گیری تجارب لذت‌بخش و خوشایند در ورزش راهکاری مناسب برای افزایش سطح فعالیت‌های ورزشی در سنین پایین است که خود سبب تغییر نگرش افراد در خصوص ارزش تمرین و فعالیت بدنی و از همه مهم‌تر، کسب نتایج بلندمدت و سودمندتری مانند سلامتی برای افراد از طریق مشارکت مداوم در فعالیت‌های ورزشی در طول زندگی‌شان می‌شود.

اسکن لن و سیمون با بهره‌گیری از نظریه راولند و فریدسون مبنی بر لذت‌بخش کردن مشارکت در فعالیت‌های ورزشی، متغیر لذت ورزشی را در مدل انگیزشی بزرگ‌تری به‌نام مدل تعهد ورزشی که به‌معنی میل و تصمیم به ادامه مشارکت در فعالیت ورزشی است، به‌کار می‌گیرند. وجه اصلی مدل تعهد اسکن لن و سیمون، تداوم انجام عمل و پافشاری بر انجام رفتار یا فعالیت خاصی یک دوره است. در واقع هدف اصلی آنها از کاربرد مدل تعهد در حوزه ورزش، شناخت قدرت تبیین و میزان تأثیرگذاری متغیرهای آن بر مشارکت مستمر افراد در فعالیت ورزشی بوده است. با وجود پژوهش‌های خوبی که در حوزه علم روان‌شناسی ورزشی روی انگیزه‌های افراد از مشارکت در فعالیت‌های ورزشی انجام شده است، پژوهش‌های کمی روی متغیرهایی که با انگیزه‌های مشارکت مستمر پیوسته در ورزش مرتبط باشند، صورت گرفته است. به همین علت اسکن لن و سیمون مدل تعهد در حوزه ورزش را برای شناخت انگیزه‌های مشارکت طولانی‌مدت به‌کار برده‌اند؛ زیرا بین روان‌شناسان اجتماعی این اتفاق نظر وجود دارد که تعهد به

شرایطی اشاره دارد که به تبیین علل پافشاری یک شخص در انجام یک عمل کمک یا بر ادامه روابطی خاص اصرار می کند.

بررسی پژوهش‌های مربوط به مشارکت مستمر در فعالیت‌های ورزشی نشان داد که سه دسته از عوامل اهمیت بیشتری در ایجاد تعهد ورزشی دارند. دسته نخست از این عوامل مهم دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط جذاب به صورت پیوند عاطفی، روابط دوستانه و احساس رضایت از شرکت در فعالیت‌های ورزشی بین افراد مشارکت کننده است.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که لذت بردن از ورزش، متغیری جذاب برای مشارکت افراد در فعالیت‌های ورزشی است. اسکن لن و همکارانش درباره منابع ایجادکننده لذت بین افرادی که در رشته‌های ورزشی نظیر والیبال، بیس بال، شنا و اسکیت در گروه‌های سنی مختلف مشغول فعالیت بودند، چندین مطالعه انجام دادند. آنها دریافتند لذت بردن، یکی از عوامل مهم مشارکت در ورزش است. منابع کسب لذت شامل تعامل‌های اجتماعی مثبت، حمایت از سوی دیگران (معلمان و مربیان، والدین و همسالان)، افزایش ادراک فردی از توانایی‌های جسمانی، سعی در یادگیری و ارائه مهارت‌ها و در نهایت کسب مهارت و احساس تحرکی است که سبب ایجاد یک قابلیت منحصر به فرد در افراد می شود.

دسته دوم از عوامل مرتبط با مشارکت مستمر شامل سه فرض سرمایه گذاری شخصی برای انجام فعالیت یا رفتاری خاص، تأثیر هنجارهای اجتماعی (محدودیت‌های اجتماعی) و فرصت‌هایی است که از مشارکت مستمر در یک فعالیت نصیب افراد می شود.

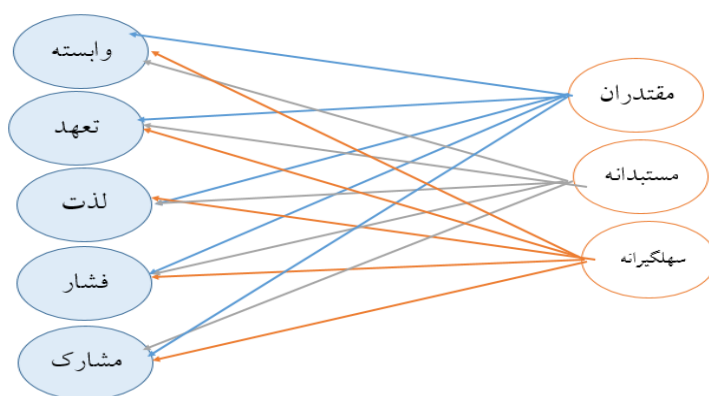
سومین دسته از عوامل به مشارکت مستمر (موانع یا محدودیت‌ها) مربوط هستند. برشید و کمپل موانع یا محدودیت‌ها را شامل هزینه‌هایی (اعم از مالی، اجتماعی، روانی، عاطفی و غیره) می دانند که سبب می شوند فرد، داوطلبانه به انجام یک رفتار ترغیب یا از انجام آن منصرف شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ارتباط مثبتی بین محدودیت‌ها و مشارکت در ورزش وجود دارد. کلینت و ویسس در پژوهش خود دریافتند ژیمناست‌های جوان در برابر ادامه ندادن مشارکت در فعالیت ورزشی (رها کردن ورزش) از خود مقاومت نشان می دهند؛ زیرا نگران از دست دادن دوستان، هم تیمی‌ها یا مربیان خود در محیط ورزشی هستند.

از طرف دیگر، عوامل مختلفی از قبیل سن، جنسیت، ادراک توانایی و قابلیت بر انگیزه

مشارکت ورزشی نوجوانان اثرگذارند؛ ولی یکی از عوامل اصلی اثرگذار، والدین هستند. مطالعات نشان داده‌اند که سایر افراد مهم از قبیل دوستان، معلمان و مربیان نیز نقش بسزایی در مشارکت ورزشی کودکان و نوجوانان دارند (دیکسون و وارنر، ۲۰۰۸). در پژوهش‌های مختلف به نقش والدین در مشارکت ورزشی فرزندان اشاره شده است (کینگ و ویلسون، ۲۰۰۸؛ لایو، لی و رانسدل، ۲۰۰۷). طبق این پژوهش‌ها، الگوها و سطح فعالیت بدنی والدین رابطه معناداری با فعالیت بدنی کودکان‌شان دارد.

با توجه به اعتقادی که در رابطه با نقش حیاتی والدین در توسعه تجربه‌های ورزشی در ورزشکاران نوجوان وجود دارد، اخیراً علاقه به بررسی تأثیر والدین بر فعالیت ورزشی نوجوانان در حال افزایش است؛ زیرا فرزندان ارزش فوق‌العاده‌ای برای ارزشیابی والدین نسبت به عملکرد خود قائل‌اند. بنابراین انتظارات و بازخوردهایی که ورزشکاران جوان از والدین درباره تلاش و عملکرد ورزشی خود دریافت می‌کنند، اهمیت دارد (سایپجا، ۲۰۰۹). از این رو شیوه تربیت فرزندان می‌تواند شیوع کم‌تحرکی را تشدید کند؛ زیرا والدین تأثیر بسیاری بر رفتارهای کودکان خود دارند و این آثار احتمالاً در سبک‌های فرزندپروری والدین آشکار می‌شود.

سبک‌های فرزندپروری را مجموعه‌ای از نگرش‌های والدین نسبت به فرزند در ارتباط با تربیت فرزندان تعریف کرده‌اند که سبب ایجاد جوی عاطفی میان فرزندان و والدین می‌شود (دارلینگ و اشتبرگ، ۱۹۹۳).



روش پژوهش

از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای هدف، پژوهش حاضر کاربردی است. از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای روش، این پژوهش یک پژوهش همبستگی از نوع رگرسیون است. جامعه آماری این پژوهش شامل ۴۹۷ نفر از نوجوانان ورزشکار شهرستان لنگرود است که در شش رشته ورزشی تنیس روی میز، بدمینتون، کشتی، والیبال، بسکتبال و ژیمناستیک به صورت هفته‌ای سه جلسه در تمرین حاضر می‌شدند. به منظور دستیابی به تعداد نمونه مورد نیاز، ۲۸۰ پرسشنامه بین ورزشکاران توزیع شد که ۳۹ پرسشنامه به علت مخدوش بودن یا عدم برگشت از نمونه آماری حذف شدند و در نهایت ۲۴۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از دو پرسشنامه تعهد ورزشی اسکن لن شامل ۱۴ سؤال و چهار مؤلفه (تعهد، لذت، فشارهای اجتماعی و فرصت‌های مشارکت) و پرسشنامه فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) برای والدین (پدر و مادر) شامل ۳۰ گویه و سه سبک فرزندپروری (سبک مقتدرانه، مستبدانه و آسان‌گیر) استفاده شد. روایی صوری پرسشنامه‌ها را ۱۴ نفر از استادان و صاحب‌نظران مدیریت ورزشی تأیید کردند. به منظور بررسی پایایی پرسشنامه‌ها از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول ۱. نتایج آزمون آلفای کرونباخ پرسشنامه سبک فرزندپروری و تعهد ورزشی

آلفای کرونباخ کلی		پرسشنامه	مؤلفه‌ها		آلفای کرونباخ هر مؤلفه
پدر	مادرانه	سبک فرزندپروری	مقتدرانه	پدر	۰/۸۱
				مادرانه	۰/۷۷
				فرزندپروری	۰/۷۵
۰/۸۵	تعهد ورزشی	تعهد	لذت	آسان‌گیر	۰/۶۶
				تعهد	۰/۷۱
				لذت	۰/۸۰
				فشار	۰/۸۳
				فرصت‌های مشارکت	۰/۷۶
			وابسته	۰/۸۹	

برای اجرای آزمون، پرسشنامه‌ها در اختیار ورزشکاران قرار گرفت و توضیحات لازم به آنها داده شد. ورزشکاران پرسشنامه‌ها را به والدین خود تحویل دادند و بعد از تکمیل آن را برگرداندند. به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (فراوانی، میانگین، درصدها، انحراف استاندارد) و از آزمون استنباطی شامل آزمون رگرسیون به شیوه هم‌زمان استفاده شد. همه تجزیه و تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ صورت گرفت.

یافته‌ها

- تحلیل داده‌ها

جدول ۲. تحلیل جمعیت‌شناختی نمونه

درصد	فراوانی	جمعیت‌شناختی نمونه	
۱۲/۴	۳۰	زیر دیپلم	وضعیت تحصیلی والدین (پدر)
۴۰/۷	۹۸	دیپلم	
۷/۵	۱۸	فوق دیپلم	
۱۰/۸	۲۶	کارشناسی	
۲/۹	۷	تحصیلات تکمیلی	
۱۰/۴	۲۵	زیر دیپلم	وضعیت تحصیلی والدین (مادر)
۴۰/۲	۹۷	دیپلم	
۹/۱	۲۲	فوق دیپلم	
۱۲/۰	۲۹	کارشناسی	
۲/۵	۶	تحصیلات تکمیلی	
۱۴/۵	۳۵	تنیس روی میز	رشته‌های ورزشی
۱۵/۸	۳۸	بدمینتون	
۵/۸	۱۴	ژیمناستیک	
۱۹/۵	۴۷	کشتی	
۱۸/۷	۴۵	بسکتبال	
۲۵/۷	۶۲	والیبال	
۱۰۰	۲۴۱	مجموع	

میانگین و انحراف استاندارد سن پدران $M \pm SD = 44/16 \pm 6/31$ و میانگین و انحراف استاندارد سن مادران $M \pm SD = 39/97 \pm 6/24$ بود. پدران عمدتاً مدرک تحصیلی دیپلم و پایین تر (۵۳/۱ درصد) داشتند. تحصیلات مادران نیز عمدتاً دیپلم و زیر دیپلم (۵۰/۶ درصد) بود. همچنین سایر نتایج توصیفی از میزان توزیع شرکت کنندگان مورد مطالعه در شش رشته ورزشی آنها نشان داد که ۳۵ نفر (۱۴/۵ درصد) تنیس روی میز، ۳۸ نفر (۱۵/۸ درصد) بدمینتون، ۱۴ نفر (۵/۸ درصد) ژیمناستیک، ۴۷ نفر (۱۹/۵ درصد) کشتی، ۴۵ نفر (۱۸/۷ درصد) بسکتبال و ۶۲ نفر (۲۵/۷ درصد) والیبال کار می کردند. بیشترین و کمترین نوجوانان حاضر در این تحقیق به ترتیب در رشته های والیبال و ژیمناستیک فعالیت داشتند.

آزمون مدل و فرضیه ها

- همبستگی بین متغیرها

در مرحله بعدی، به منظور آزمون فرضیات تحقیق، رگرسیون چندگانه به روش هم زمان استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می دهد که شیوه های فرزندپروری پدر هم به طور مثبت و هم به طور منفی بر ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار تأثیر می گذارد. بر این اساس، نتایج رگرسیون نشان می دهد هر دو شیوه فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه پدر آثار مثبت و معنی داری روی تعهد، لذت و مشارکت نوجوانان می گذارد. در مقابل، شیوه فرزندپروری سهل انگارانه پدر اثر معکوس و معنی داری بر ابعاد لذت و مشارکت نوجوانان در فعالیت های ورزشی دارد (جدول ۳).

فرضیه ۱: بین تعهد ورزشی و سبک فرزندپروری پدر ارتباط معناداری وجود دارد.

ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

جدول ۳. تحلیل رگرسیونی چندگانه تعهد ورزشی بر اساس سبک فرزندپروری پدر

متغیرهای مستقل	وابسته	F	R	R2	R adj	مقدار T	مقدار بتا	مقدار بتای استاندارد	آماره دورین واتسون
عرض از مبدأ						۴/۲۶۵**	۱/۷۹۳	-	۱/۸۷۱
مقتدرانه	تعهد	۱۱/۲۴۴	۰/۳۵۳	۰/۱۲۵	۰/۱۱۴	۴/۹۶**	۰/۳۸۱	۰/۳۰۹	
مستبدانه						۳/۷۴۵**	۰/۲۴۵	۰/۲۳۲	
سهل‌گیرانه						-۰/۲۱۷	-۰/۰۱۷	-۰/۰۱۳	
عرض از مبدأ						۹/۱۶**	۳/۴۵	-	۲/۲۱۴
مقتدرانه	لذت	۶/۸۹۷	۰/۲۸۱	۰/۰۸	۰/۰۶۹	۳/۷۳۹**	۰/۲۵۷	۰/۲۳۹	
مستبدانه						۲/۳۶۳*	۰/۱۳۸	۰/۱۵۰	
سهل‌گیرانه						-۲/۵۵۱*	-۰/۱۷۵	-۰/۱۶۱	
عرض از مبدأ						۰/۲۰۴	۰/۱۶۲	-	۱/۷۹۲
مقتدرانه	فشار	۱۲/۷۷۷	۰/۴۸۳	۰/۱۳۹	۰/۱۲۸	۰/۶۱۷	۰/۰۹	۰/۰۳۸	
مستبدانه						۵/۸۲۸**	۰/۷۲۲	۰/۳۵۷	
سهل‌گیرانه						۱/۵۴۸	۰/۲۲۴	۰/۰۹۴	
عرض از مبدأ						۶/۴۲۶**	۲/۹۱۶	-	۱/۸۰۴
مقتدرانه	مشارکت	۱۱/۰۰۲	۰/۴۵۰	۰/۱۲۲	۰/۱۱۱	۵/۳۱۴**	۰/۴۴۱	۰/۳۳۱	
مستبدانه						۱/۴۹۷	۰/۱۰۶	۰/۰۹۳	
سهل‌گیرانه						-۲/۸۸۷**	-۰/۲۳۸	-۰/۱۷۸	
عرض از مبدأ						۵/۴۰۵**	۸/۳۲۲	-	۱/۸۹۱
مقتدرانه	تعهد ورزشی	۱۲/۲۴۷	۰/۴۶۹	۰/۱۳۴	۰/۱۲۳	۴/۱۵۵**	۱/۱۷	۰/۲۵۷	
مستبدانه						۵/۰۵۸**	۱/۲۱۲	۰/۳۱۱	
سهل‌گیرانه						-۰/۷۳۳	-۰/۲۰۵	-۰/۰۴۵	

* $P < 0/05$ ، ** $P < 0/01$

سایر نتایج رگرسیون برای رابطه بین شیوه فرزندپروری مادران روی ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار حاکی از آن است که شیوه فرزندپروری سهل‌انگارانه مادران رابطه معکوس و

معنی داری با مشارکت نوجوانان در فعالیت‌های ورزشی دارد. همچنین مانند پدران، مادران نیز با استفاده از سبک فرزندپروری مقتدرانه به میزان بیشتری نسبت به شیوه فرزندپروری مستبدانه، رابطه مثبت و معنی داری با ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار دارند.
فرضیه ۲: بین تعهد ورزشی و سبک فرزندپروری مادر ارتباط معناداری وجود دارد.

جدول ۴. تحلیل رگرسیونی چندگانه تعهد ورزشی براساس سبک فرزندپروری مادر

آماره دوربین واتسون	مقدار بتای استاندارد	مقدار بتا	مقدار T	R adj	R2	R	F	وابسته	متغیرهای مستقل
۱/۸۶۱	-	۱/۹۵۸	۴/۲۱۲**						عرض از مبدأ
	۰/۲۳۸	۰/۳۷۸	۳/۸۱۱**	۰/۰۷۵	۰/۰۸۶	۰/۲۹۴	۷/۴۶۹	تعهد	مقتدرانه
	۰/۱۸۹	۰/۱۹۸	۲/۸۹۶**						مستبدانه
	۰/۰۲۹	۰/۰۳۸	۰/۴۴۴						سهل گیرانه
۲/۲۳۹	-	۳/۵۹۱	۸/۶۵۱**						عرض از مبدأ
	۰/۱۹۳	۰/۲۶۸	۳/۰۲۷**	۰/۰۳۴	۰/۰۴۶	۰/۲۱۴	۰/۳۷۸	لذت	مقتدرانه
	۰/۰۶۹	۰/۰۶۳	۱/۰۳۲						مستبدانه
	-۰/۱۰۵	-۰/۱۲	-۱/۵۸۱						سهل گیرانه
۱/۸۸۲	-	-۰/۶۰۳	-۰/۶۹۶						عرض از مبدأ
	۰/۱۱۸	۰/۳۵۶	۱/۹۲۷	۰/۱۱۹	۰/۱۳	۰/۳۶۱	۱۱/۸۰۸	فشار	مقتدرانه
	۰/۳	۰/۶۰۱	۴/۷۰۸**						مستبدانه
	۰/۱۱۸	۰/۲۹۷	۱/۸۷۳						سهل گیرانه
۱/۸۱۶	-	۲/۵۷۷	۵/۱۸۷**						عرض از مبدأ

ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین

متغیرهای مستقل	وابسته	F	R	R2	R adj	مقدار T	مقدار بتا	مقدار بتای استاندارد	آماره دوربین واتسون
مقتدرانه	مشارکت	۸/۸۷	۰/۳۱۸	۰/۱۰۱	۰/۰۹۰	۴/۷۳۱**	۰/۵۰۱	۰/۲۹۴	
مستبدانه						۲/۰۵۹**	۰/۱۵۱	۰/۱۳۳	
سهل‌گیرانه						-۱/۹۷۹*	-۰/۱۸	-۰/۱۲۷	
عرض از مبدأ						۴/۴۸۲**	۷/۵۲۴	-	
مقتدرانه	تعهد ورزشی	۱۰/۸۷۷	۰/۳۴۸	۰/۱۲۱	۰/۱۱۰	۴/۱۹۹**	۱/۵۰۳	۰/۲۵۸	۱/۹۸۴
مستبدانه						۴/۰۹۸**	۱/۰۱۳	۰/۲۶۲	
سهل‌گیرانه						۰/۱۱۳	۰/۰۳۵	۰/۰۰۷	

* $P < 0/05$ ، ** $P < 0/01$

نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، پیش‌بینی ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان ورزشکار بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین بود. نتایج یک مطالعه توصیفی همستگی و جمع‌آوری داده‌های پژوهش نشان داد که به کارگیری شیوه‌های فرزندپروری در تشکیل ابعاد تعهد ورزشی در نوجوانان ورزشکار نقشی کلیدی دارد. پژوهش حاضر که به صورت موردی در سطح شهرستان لنگرود انجام شده است، با نتایج تحقیق لوجینووا و اسلوبودوسکاوا (۲۰۱۷)، عبدی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) و هاروود و نایت (۲۰۱۵) همسو است. البته نتایجی چالش‌برانگیز نیز حاصل شد که ریشه در ماهیت هر یک از شیوه‌های فرزندپروری دارد. بر اساس یافته‌های پژوهش باید گفت سبک فرزندپروری مقتدرانه بیشترین تأثیر را بر تعهد ورزشی و ابعاد آن نسبت به سایر سبک‌های آن داشته است.

نکته درخور تأمل در نتایج اولیه آزمون رگرسیون چندگانه آن است که سبک مقتدرانه به میزان بیشتری از سبک استبدادی بر ابعاد تعهد ورزشی نوجوانان در فعالیت‌های ورزشی تأثیرگذار است. این نتیجه با نتایج تحقیق عبدی مقدم و همکاران (۱۳۹۲)، نظریوری و همکاران (۱۳۹۷) و

هنسی و همکاران (۲۰۱۵) همسو است؛ اما نتایج تحقیق کروپس و ریلی (۲۰۱۷) با نتایج پژوهش همسو نیست؛ زیرا این پژوهشگران اعتقاد داشتند که والدین نقشی در تعهد حرکتی (ورزشی) فرزندان ندارند. همچنین با بررسی رابطه بین شیوه فرزندپروری والدین با میزان فعالیت بدنی فرزندان نشان دادند که بین شیوه‌های فرزندپروری اقتداری پدران و مادران با میزان فعالیت بدنی فرزندان رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. این نتیجه با نتایج تحقیق هنسی (۲۰۱۵)، لوجینووا و اسلوبودوسکاوا (۲۰۱۷)، نظر پور و همکاران (۱۳۹۷) و عبدی مقدم و همکاران (۱۳۹۲) همسو است. این نتایج در حالی مشاهده می‌شود که هنوز مشخص نیست افزایش میزان فعالیت بدنی نوجوانان نتیجه سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین است یا ماحصل تعهد ورزشی ایجادشده در نوجوانان یا می‌تواند نتیجه تعامل بین این دو باشد. پژوهشی همراستا با این نتایج یافت نشد.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان استنتاج کرد افزایش میزان فعالیت بدنی نوجوانان ناشی از ایجاد تعهد ورزشی است که عمدتاً بر اساس دریافت و ادراک سبک فرزندپروری اقتدرانه مادران و پدران حاصل می‌شود. به نظر می‌رسد که والدین زمانی از این سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده می‌کنند که از جنبه‌های تخصصی آن رشته ورزشی نیز برخوردار باشند. در این زمینه، هاروود و نایت (۲۰۱۵) به صراحت نشان دادند که اگر والدین دارای تخصص‌های ورزشی باشند، فرزندان نیز در بیشتر شاخص‌های حرکتی مانند مهارت‌های ورزشی عملکرد بهتر و نگرشی قوی‌تر از ورزش مد نظر کسب می‌کنند. به همین دلیل احتمالاً تخصص و اظهارنظر والدین (به خصوص پدران) در ورزش نوجوانان خود موجب می‌شود که فرصت مناسب برای به کارگیری سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه فراهم شود و همین سبک در نهایت به تعهد ورزشی نوجوانان می‌انجامد.

از طرف دیگر، نمی‌توان از نقش سبک فرزندپروری مستبدانه والدین به راحتی عبور کرد. نتایج تحلیل رگرسیونی این تحقیق نتایج پیچیده‌ای از سبک فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه را نشان می‌دهد. در تجزیه و تحلیل این دو سبک (مقتدرانه و مستبدانه) می‌توان استنباط کرد که علت تفاوت این دو مکانیزم در ماهیت ارشادی آنها نهفته است. به عبارت بهتر، والدینی که از سبک فرزندپروری مقتدرانه استفاده کردند و به جای تنبیه (در زمان خلاف انتظارات والدین) از فنون راهنمایی بهره بردند، موجب افزایش تعهد و مشارکت ورزشی فرزندان شدند. البته باید به این نکته

توجه کرد که به احتمال زیاد والدینی می‌توانند نقش راهنما و ارشادی داشته باشند که از تخصص‌های حداقلی در آن رشته ورزشی برخوردار باشند. این نتایج با نتایج تحقیق هاروود و نایت (۲۰۱۵) همسو است، اما با نتایج تحقیق نظری پور و همکاران (۱۳۹۷) همسو نیست؛ زیرا فرزندپروری مستبدانه مانع تحرک (ورزش) فرزندان می‌شود. با این حال، هنوز مشخص نیست که مفاد این راهنمایی دقیقاً باید چگونه باشد و چه بازخوردی در این سبک موجب افزایش تعهد ورزشی می‌شود. این شواهد به‌صراحت نشان می‌دهد که محدود کردن فرزندان و کاهش آزادی عمل آنها کمتر پیامدهای مثبت تعهد ورزشی دارد، اما این نتیجه‌گیری منکر نقش مهم سبک فرزندپروری مستبدانه نمی‌شود؛ بلکه این سبک از فرزندپروری نیز تعهد و مشارکت ورزشی نوجوانان را افزایش می‌دهد. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین با حمایت از استقلال نوجوانان قادرند بر رفتارشان در قالب یک الگوی مثبت نظارت و کنترل کنند، رفتار مستقل را در نوجوانان تقویت کنند و با آموزش، حمایت و الگو بودن برای فرزندان، راهکارهای دستیابی به موفقیت را در آنها تقویت کنند. در پژوهش‌های مختلف هم نیاز حیاتی بودن حمایت خانواده برای مشارکت ورزشی فرزندان به اثبات رسیده است؛ در نتیجه ارتباط معنادار این شیوه با سطح فعالیت بدنی فرزندان قابل درک خواهد بود.

یافته‌های جالب‌تر پژوهش حاضر آن است که لذت فرزندان در فعالیت‌های ورزشی بر اساس سبک فرزندپروری مستبدانه مادران افزایش نمی‌یابد، در حالی که این افزایش لذت پس از ادراک سبک مستبدانه پدران بیشتر می‌شود. تحقیقی همسو با این نتیجه یافت نشد. این یافته نیز بدان علت ارزشمند است که ادراک نوجوانان از والدین خود با تغییرات معنی‌دار روبه‌روست. در تحقیقات گذشته عمدتاً نقش بازخورد مفرد والدین در فعالیت‌های ورزشی نوجوانان نشان داده شده بود. این نتیجه با نتایج تحقیق گرشگورن و همکاران^۱ (۲۰۱۱) و هاروود و نایت (۲۰۱۵) همسو است. این تحقیق با قاطعیت نشان داد که هر کدام از والدین مکانیزم‌های منحصربه‌فردی برای ادراک فرزندان دارند و نمی‌توان همان مفروضات مرتبط با پدران را برای مادران در نظر گرفت و بالعکس. بنابراین از آنجا که لذت ورزشی نوعی خاص از تعهد ورزشی است، ضروری است مادران از این سبک برای جلوگیری از تبعات منفی لذت در فرزندان خود برای شرکت در

1. Gershgoren & et al.

فعالیت‌های ورزشی خودداری کنند. اما باید توجه کرد که چنین سازکاری برای پدران صادق نیست و آنها می‌توانند با ارائه و استفاده از همین سبک (مستبدانه) لذت را در فرزندان ورزشکار خود افزایش دهند. البته همان‌طور که بیان شد، استفاده از این سبک احتمالاً نیازمند اطلاعات و تخصص کافی پدران است. این تغییرپذیری در استفاده از سبک فرزندپروری نشان می‌دهد که لزوماً نباید سبک‌های مورد استفاده والدین برای فرزندان شان یکسان باشد تا تعهد ورزشی و لذت در نوجوانان بروز یابد، بلکه با انعطاف‌پذیری مناسب در پدران و مادران می‌توان از این جرح و تعدیل سبک‌های فرزندپروری به سود تعهد ورزشی فرزندان بهره جست.

علاوه بر این دو سبک فرزندپروری، سبک فرزندپروری سهل‌انگارانه نیز وجود دارد که نتایج رگرسیون آن با ابعاد تعهد ورزشی در والدین چالش‌برانگیز بود. برای مثال نتایج نشان داد که استفاده از این سبک فرزندپروری در هر دو گروه پدران و مادران، بعد مشارکت از تعهد ورزشی نوجوانان را به‌طور معنی‌داری کاهش می‌دهد. یافته جالب‌تر آنکه لذت ورزشی نوجوانان پس از ادراک و دریافت سبک فرزندپروری سهل‌انگارانه پدران کاهش داشت. نتایج این فرضیه به‌صراحت نشان می‌دهد که بی‌توجهی و آزادی عمل مطلق از جانب پدران، لذت را از نوجوانان ورزشکار سلب می‌کند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که توجه پدران به فعالیت‌های ورزشی یک عامل انگیزشی و لذت‌بخش برای نوجوانان در این دوره سنی است. نتیجه‌ای همسو با این نتایج یافت نشد. بنابراین بدون هیچ احتیاطی باید گفت روش آزادی عمل مطلق، به‌خصوص برای دوره سنی ۱۰ تا ۱۵ سال، موجب تعهد ورزشی نوجوانان نمی‌شود و حتی مشارکت و لذت ورزشی آنها را کاهش می‌دهد. به نظر می‌رسد دخالت نکردن والدین در کارهای مربوط به نوجوانان در این دوره سنی نمی‌تواند کمک زیادی به آنها کند و احتمالاً فرزندان در این سنین بیش از هر چیزی به توجه والدین نیاز دارند و شاید همه موفقیت‌ها و بهبود مهارت‌های ورزشی را برای نشان دادن خود به والدین یا تشکر از آنها انجام دهند. البته در این بین، بسیاری از مسائل می‌تواند این روابط را تعدیل کند. محققان می‌توانند در آینده نقش نقاط جغرافیایی (شهری در مقابل روستایی)، فرهنگی (طایفه‌های سنتی مختلف)، تفاوت‌های جنسیتی (پسران در مقابل دختران)، موقعیت‌های ویژه (نوجوانان ورزشکار آماتور در مقابل حرفه‌ای)، محیط ورزش (باشگاهی در مقابل آموزشگاهی) و غیره را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

آنچه تا کنون در مبانی نظری و پیشینه موضوع پژوهش به آن پرداخته شد درباره مطالعات محیطی تعهد ورزشی در درون محیط‌های ورزشی بوده و سبک‌های فرزندپروری با جزییات خاص آن هنوز مورد بحث قرار نگرفته است. از طرف دیگر، مطالعات مربوط به سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد که محققان عمدتاً این سبک‌ها را در مقیاس‌های موفقیت‌های تحصیلی بررسی کرده‌اند و نقش آنها در استمرار فعالیت‌های ورزشی مشخص نبوده است. در حالی که این تحقیق به صراحت نشان داد استفاده از سبک‌های فرزندپروری برای تعهد نوجوانان در فعالیت‌های ورزشی یک پدیده تعیین‌کننده است.

بنابراین بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد که گرچه کودکان و نوجوانان در سنین پایین از پدر و مادر اطاعت می‌کنند، اما بهتر است در تصمیم‌هایی که برای آنها گرفته می‌شود دلایل قانع‌کننده به آنها ارائه شود. در مورد اعتراضات نوجوانان برای بعضی از تصمیم‌ها در خانواده، بهتر است والدین با صحبت کردن آنان را قانع کنند و فضا و جو خانواده را به سمتی سوق دهند که فرزندان بتوانند آزادانه عقاید و نظرهای خود را مطرح کنند، هر چند با نظر آنها در تضاد باشد. مجموعه این اقدامات می‌تواند راهی به‌منظور ایجاد تعهد ورزشی نوجوانان در فعالیت‌های ورزشی باشد که نتیجه آن لذت و سلامت برای آنهاست.

فهرست منابع

۱. اسماعیلی، شهرزاد؛ گنجویی، اشرف و زارعی علی، فریده (۱۳۹۷). پیش‌بینی تعهد ورزشی دانشجویان تربیت بدنی بر اساس عوامل محیطی. **مطالعات راهبردی ورزش و جوانان**. دوره ۱۷، شماره ۴۱، صص ۱-۱۵.
۲. بهروزی، ایوب؛ همتی‌نژاد، مهرعلی و خاکسار، کاوه (۲۰۱۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری خانواده با فعالیت بدنی و اضافه وزن. **اولین کنفرانس ملی تربیت بدنی و علوم ورزشی**.
۳. پارسامهر، مهربان (۲۰۱۲). تدوین مدل تعهد ورزشی در ورزشکاران تکواندو. **مدیریت ورزش و رفتار حرکتی**، سال ۲ (۱۰)، شماره ۴ (۲۲)، صص ۱-۱۲.
۴. حسینی، الهه و فرزانه، فرزانه (۱۳۹۸). بررسی نقش حمایت اجتماعی بر تعهد ورزشی بانوان به فعالیت‌های ورزشی. **نشریه مدیریت ورزشی**، ۱۰ (۱)، صص ۱۳۷-۱۴۸.
۵. حسینی‌نیا، سیدرضا و داروغه‌عارفی، ناهید (۱۳۹۶). ارتباط مشارکت ادراک شده والدین با اضطراب رقابتی، لذت و تعهد ورزشی بازیکنان دختر رشته بدمینتون. **پژوهشنامه مدیریت ورزشی و رفتار حرکتی**، ۱۳ (۲۶)، صص ۹۳-۱۰۴.
۶. حسینی‌نیا، سیدرضا؛ خداوردی، فاطمه و داروغه‌عارفی، ناهید (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت دوست‌ورزشی بر لذت و تعهد ورزشی نوجوانان فوتبالیست. **مطالعات روانشناسی ورزشی**، شماره ۱۰، صص ۱۱۳-۱۲۶.
۷. تقوایی، داود و پیرانی، ذبیح‌اله (۱۳۹۶). پیش‌بینی کمال‌گرایی بر اساس سبک‌های فرزندپروری و هویت دانش‌آموزان دبیرستانی اراک. **اولین کنگره ملی توانمندسازی جامعه در حوزه جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی و فرهنگی**، تهران: مرکز توانمندسازی مهارت‌های اجتماعی و فرهنگی، (http://www.civilica.com/Paper-CSCONF01-CSCONF01_118.html)
۸. مرادی، اف؛ مرادی، ای. و مرادی (۱۳۹۷). نقش خانواده در آموزش و پرورش، **دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی**، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، مؤسسه آموزش عالی

- مهراروند، پایدار مرکز راه‌حل‌های توسعه،
(http://www.civilica.com/Paper-EPSCONF02-EPSCONF02_0568.html)
۹. مرادی، جلیل و زارعی، فردین (۱۳۹۷). ارتباط استحکام ذهنی و تعهد ورزشی ورزشکاران رشته‌های تیمی و انفرادی. *مطالعات روانشناسی ورزشی*، ۷(۲۵)، صص ۶۳-۷۶.
۱۰. مؤمنی پیری، س.؛ هاشمی افسوسی. م.؛ رضایی نسب، الف. و نوروزی، مغربی (۱۳۹۴). تأثیر دوره تربیت بدنی بر سلامت روان دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا. همدان، ایران. *مجله بین‌المللی اطفال*، ۳(۲،۱)، صص ۶۷-۷۳.
۱۱. نظریوری، شهرام؛ ولیپور دهنو، وحید و بهزادی، سمانه (۱۳۹۷). ارتباط شیوه‌های فرزندپروری مادران با انگیزش حرکتی و رشد مهارت‌های حرکتی مقدماتی در اطفال ۹ الی ۱۱ ماهه. *مطالعات روانشناسی ورزشی*، ۷(۲۵)، ۱۶۱-۱۷۴.
۱۲. نقی‌پور، م. (۲۰۱۱). رابطه بین سبک فرزندپروری و سخت‌گیر بودن کودکان. *مجله روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن*، سال ۲، شماره ۲، صص ۳۰-۱۳.
۱۳. نوروزی سیدحسینی، رسول؛ فتحی، حسن و صادقی‌بروجردی، سعید (۱۳۹۱). تأثیر ادراک رفتارهای مربیگری بر تعهد ورزشی، انگیزه پیشرفت و رضایت در جودوکاران لیگ برتر ایران. *مطالعات مدیریت ورزشی*، شماره ۱۶، صص ۲۰۶-۱۸۹.
۱۴. عبدی‌مقدم، سعید؛ بهروزی، ایوب و رمضان‌نژاد، رحیم (۱۳۹۳). رابطه شیوه فرزندپروری والدین با میزان فعالیت بدنی فرزندان. *نشریه مطالعات روان‌شناسی ورزشی*، ۲(۶)، ۲۵-۳۶.
۱۵. یوسفی، بهرام؛ عظیمی‌راد، جواد و ملکیان، علی (۱۳۹۳). ارتباط شیوه‌های فرزندپروری والدین با مشارکت ورزشی دانش‌آموزان دختر. *مطالعات روانشناسی ورزشی*، ۳(۹)، صص ۵۵-۶۶.
16. Cruise S, Reilly D. The influence of parents, older siblings, and non-parental care on infant development at nine months of age. *Infant Behavior and Development*. 2014 Nov 30; 37(4):546-856
17. Cardona, P.G., Nicholson, B.C & Fox, R.A. (2000). Parenting among Hispanic and Anglo-American mothers with young children. *J Soc Psychol*; 140, 357-65.
18. Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113, 482-496.

19. Dixon, M.A., & Warner, S.M. (2008). More Than Just Letting They Play: Parental Influence on Women's Lifetime Sport Involvement. *Sociology of Sport Journal*, Vol: 25, 538-559.
20. Erbaş. K. M, Güçlü. M, & Zorba, E. (2013). Effects of parental attitudes on physical education course attitudes among adolescents. *Facta Universitatis-Series: Physical Education and Sport*, 11(3), 209-219.
21. Gershgoren. L, Tenenbaum. G, Gershgoren. A, & Eklund. R. C. (2011). The effect of parental feedback on young athletes' perceived motivational climate, goal involvement, goal orientation, and performance. *Psychology of Sport and Exercise*, 12, 481-489.
22. Gómez-Ortiz. O, Romera, E. M. & Ortega-Ruiz. R. (2016). Parenting styles and bullying. The mediating role of parental psychological aggression and physical punishment. *Child abuse & neglect*, 51, 132-143.
23. Harwood. C. G, & Knight, C. J. (2015). Parenting in youth sport: A position paper on parenting expertise. *Psychology of sport and exercise*, 16, 24-35.
24. Harrison, Newman K. L, Davies S, Dashiff C. (2008). Relationships between parenting styles and risk behaviors in adolescent. *Health: an integrative literature review*. 16(1), 142-50
25. Hutchinson. M, & Berg, B. K. (2015). Institutions of higher commitment: A case study of de-escalation and American football's decisive role in intercollegiate athletics. *Sport Management Review*, 18(3), 464-480.
26. Hennessey JM. Interaction effects of parenting styles and child temperament: Motor, cognitive, and language development in children prenatally exposed to alcohol (Doctoral dissertation, Duquesne University). Pro Quest Dissertations, Publishing May 2015. 3702606.
27. Hutchens A, Lee RE. Parenting Practices and Children's Physical Activity: An Integrative Review. *The Journal of School Nursing*. 2017 Jan 1:1059840517714852.
28. Knight, C. J, & Holt. N. L. (2014). Parenting in youth tennis: Understanding and enhancing children's experiences. *Psychology of Sport and exercise*, 15(2), 155-164.
29. Quarmby, T., & Dagkas, S. (2010). Children's engagement in leisure time physical activity; Exploring family structure as a determinant, *Leisure Studies*. ISSN: 0261-4367
30. Loginova. S. V, & Slobodskaya. H. R. (2016). The mediating role of parenting in the relation between personality and externalizing problems in Russian children. *Personality and Individual Differences*.
31. Marcio Domingues. C, & Goncalves. E. (2013). The sport rols of parents in talented youth sport. Does context matter? *Pol. J. Sport Tourism* 2013, 20, 117-122.
32. McDavid.L, Cox. A. E. & Amorose. A. J. (2012). The relative roles of physical education teachers and parents in adolescents' leisure-time physical activity motivation and behavior. *Psychology of Sport and Exercise*, 13(2), 99-107.

33. McDavid. L, Cox. A. E, & McDonough. M. H. (2014). Need fulfillment and motivation in physical education predict trajectories of change in leisure-time physical activity in early adolescence. *Psychology of Sport and Exercise*, 15(5), 471-480.
34. Sapieja, Klaudia. (2009). Perfectionism and Parenting Styles in Male Youth Soccer, thesis Master of Arts. University of Alberta. Faculty of Physical Education & Recreation.
35. Simpkins, Sandra D. Vest., Andrea E. Becnel, Jennifer N. (2010). Participating in Sport and Music Activities in Adolescence: The Role of Activity Participation and Motivational Beliefs during Elementary School. *J Youth Adolescence*. 39, 1368–1386.
36. Scanlan. C, Schmidt. S & Keeler (1993) The Sport Commitment Model. *Journal of Sport & Exercise Psychology* | Volume 15(1) 1-15.
37. Summers, J., & Johnson Morgan, M. (2006). The impact of parental style on sports consumption preferences of teenagers: an exploratory investigation in the Asia Pacific region. *Asian Journal of Marketing*, 12 (1), 23-34.
38. Scanlan. T. K, Chow. G. M, Sousa. C, Scanlan. L. A, & Knifsend. C. A. (2016). The development of the Sport Commitment Questionnaire-2 (English version). *Psychology of Sport and Exercise*, 22, 233-246.
39. Staal. I. I, van Stel. H. F, Hermanns. J. M, & Schrijvers. A. J. (2016). Early detection of parenting and developmental problems in young children: Non-randomized comparison of visits to the well-baby clinic with or without a validated interview. *International Journal of Nursing Studies*, 62, 1-10.
40. Young. B. W, & Medic. N. (2011). Examining social influences on the sport commitment of Masters swimmers. *Psychology of sport and exercise*, 12(2), 168-175.
41. Watchman, T., & Spencer-Cavaliere, N. (2017). Times have changed: Parent perspectives on children's free play and sport. *Psychology of Sport and Exercise*, 32, 102-112.